سال بیست و هفتم – شماره ۱۱۱۹

نسیم جنوب

www nasimjonoub COM

شنبه ۲۵ اسفند ۱۴۰۳ ۸ صفحه

۲۰۰۰ تومان (مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)

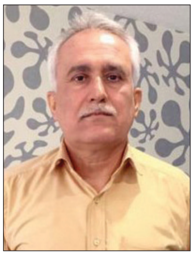
نوروز در تاجیکستان

نوروز؛ نماد نو شدن و الهام گرفتن از طبیعت برای زدودن کهنگی ها



نوروز در تاجیکستان

دکتر امان الله شجاعی



در ایران روز اول فروردین هر سال و در تاجیکستان، روز ۲۱ مارس هرسال، روز نوروز است.

تفاوت شروع نوروز در ایران و تاجیکستان در این رابطه، شروع نوروز است که یکی در اول سال هجری شمسی و دیگری در روز ۲۱ مارس میلادی است.

تفاوت دیگر این که در ایران برای آموزش و پرورش تا ۱۳ فروردین ایام نوز است و تقریبا روزهای کاری برای سایر ادارات نیز، تقریبا نیمه تعطیل است و در تاجیکستان بین ۳ تا شش روز است.

سومین اختلاف الزامی نبودن روز ۲۱ مارس(گرچه عرف همین است) در تاجیکستان برای شروع نوروز و برعکس قطعی بودن اول فروردین در ایران است.

مثلا در سال جاری به خاطر ماه مبارک رمضان، به احتمال زیاد، اعلام نوروز، بعد از عید فطر اعلام خواهد شد.

اکثر قریب به اتفاق مردم تاجیکستان علاقه بسیار زیادی به نوروز و عید فطر دارند و هردو را به تمامه محترم می دارند.

در حد اقل ۳ روز اول، بیشتر مردم شهر وروستا، در باغ و بستان ها به رقص و پایکوبی می پردازند و درحقیقت خرسندی وخوشنودی خود را بروز می دهند.

سفره ها، یا همان دسترخان های تاجیکان به پربودن و یا پوره بودن معروف است. یعنی به گونه ای پر از آجیل، تنقلات، نان، آب گوشت بیسکویت، سبزی، میوه، سمنو و امثالهم است که حتا نقطه ای از سفره خالی نیست.

تا ده سال پیش که مجموعا ۱۴ بار به آنجا سفر کردم و دو عید نوروز را در آن جا بودم، تقریبا تفاوت درآمدی زیادی بین آحاد مردم نبود و به جز اقلیت بسیار کم، زندگی مابقی مردم تقریبا مشابه هم بود و الحق بسیار شاد بودند و امیدوار به آینده ای بهتر.

آن‌ها در تمام و یا اکثر روزهای یکشنبه در باغ رودکی(پارک رودکی) که باغی بسیار زیبا و دل فریب است، جشن های هفتگی دارند و زن و مرد، وپیر و جوان به شادی می پردازند و مدیریت و هزینه ی آن نیز، با دولت است.

در ایام نورز، در برخی مواقع، بسیاری از، شرکت‌ها و کارخانه‌ها در باغ‌های فراوانی که در تاجیکستان هست، سفره‌های طولانی می کشند و از افرادی که



از راست: پروفسور محمداف، طلعت نظروف وزیر خارجه پیشین تاجیکستان

در باغات هستند دعوت می‌کنند که بیایند و استفاده نمایند.

در ایام نو روز، به گونه‌ای است که همه‌ی مردم می توانند از این سفره ها استفاده کنند و حالت روز عاشورا در ایران را دارد که فقیر و غنی در آن روز(عاشورا) غذاهایی تقریبا مشابه دارند.



وقتی در روز عید، همه دور هم هستند، در برخی مواقع این شعر را با هم می خوانند:

ساقی به سرم، شاهی به سرم، شینوم سرکوچه و، گیروم خبرو.

شراره ی خاطره ها، به عشق دیرینه ی ما

گر از تو یاد آید، دلم به فریاد آید

نی نه نه نی نه نه نی، های نه نه نی،

و از این موارد.

پروفسور محمداف عبدالرحمان نوروز ویچ؛ فوق دکترای علوم سیاسی که استاد و راهبر علمی اینجانب بود، در این زمینه می گوید:

جشن نوروز جشن مردم ایرانی تبار است.

اگر عمر خیام توانست نوروزنامه بنویسد، اساس گذار صلح و امنیت ملی تاجیکستان، محترم امام علی رحمان در زمان استقلال کشورتاجیکستان، در پایتخت کشور عزیزمان تاجیکستان، نوروز گاه و کاخ نوروز و چند مورد دیگر را در این زمینه بنا کردند.

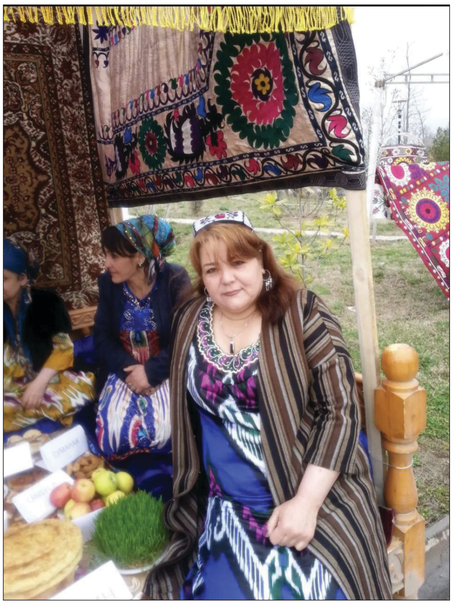
کاخ نوروز و نوروزگاه، فقط در تاجیکستان هست و در جای دیگری نیست.

نقش و نگار های این بناها همانند گل‌های بهاری و بسیار زیباهستند.

کمی بالاتر از کاخ نوروز، نوروزگاه ساخته شده که به خاطر نوروز خجسته پی است و محل حضور پهلوانان، اسب دوانان، کشتی گیران و امثال آن است.

مطلب دیگر، گل‌های چکن و یا پیراهن چکنی است، که بر روی نوعی لباس تاجیکی است.

همه این عنعنه ها(سنت ها) به خاطر نوروز خجسته‌پی است و اضافه برآن، در جای جای تاجیکستان نوروزگاه‌های کوچک و حسب نیاز ساخته شده و مورد استفاده قرار می گیرند که در دنیا بی سابقه و بی‌نظیر است.



باعث افتخار است که با ابتکار رئیس جمهور ما امام علی رحمان و سروران حوزه ی نوروز، نوروز جهانی شد و این مطلب به این معنی است که در حد خود توانسته ایم فرهنگ ایرانی و زبان تاجیک و ایرانی را، معرفی کنیم تا شناخته و تجلیل شود.

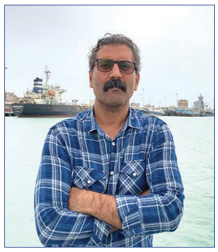
نوروز مبارک باد و نوروتان پیروز باد .

محمد اف معتقد است که جشن نوروز، تنها یک جشن نیست، بلکه تاریخ افتخار گذشته و حال ماست و تاریخ ۵ و یا ۶ هزار ساله ی ماست و باید هرساله تجلیل شود و پاس داشته شود.



بوشهر؛ خاکِ نغمه، چکاد آواز!

امیرحسام حق‌پرست



می‌گویند از جمله نشانه‌ها و مشخصّه‌های راه و رسم ادب،حُرمت به مبانی فرهنگ و هُنر است!(جوهر ادب ما خون سهراب است و طاهر علی حاتمی، دلشدگان)و این خود در جای جای زندگی ایرانی جاری ست.
هم از این روی موسیقی خود عامل و عنصری مؤثر و راهگشاست و آن قدر توانایی و البته دانایی را به زندگی مردمان هر سامان جاری نموده که به جرأت می توان چنین گفت:
زندگی به سبک و سیاق و مکتبِ ایرانی بدون موسیقی انگار در هیچ کجای این آب و خاک وجود ندارد و میسّر نیست چه همگان زیست و زندگی خود را با موسیقی گذرانده و می گذرانند!
فکر کنید لحظه‌ای بدون آواز!؟ روزی بدون ساز!؟
نه!!! بی شک نَفَس نمی آید و زندگی غیر ممکن می‌شود!
حالا عقربه‌ی ذهن را بچرخانید و موج مخیله را در آسمان بندر بوشهرَ پرواز دهید!
چه می بینید!؟
چه می شنوید!؟
صدا... پای کوبی... دست های افشان، کِل... چاووشی... و ما که عمری مانده‌ایم به پای این بندرِ جان!هم آوای سینه و سازهایش تا آن روز که سر بر آستان جانان یعنی خاکِ پاکش بگذاریم!
بوشهر؛ نامت معنای نغمه و تحریر است!
در هنگامه ی زیست مردمان خلیج جاودانه ی فارس می پیچد...گره زده می شود...پیوند می خورد...
حالا دیگر آفریقا و سازهایش را به ساز بوشهری می شناسند!
هر چه خوانده می شود از دریا و کوه و دشت و مسیله ها،برای ردیف دستگاهی موسیقی به کار گرفته می شود!
بوشهر؛ چکادِ آواز... خاکِ نغمه! دادِ هِجرانی ها... کرشمه ی خرابات... گشایشِ غم ها... حصارِ



تو گویی میراثِ سنگین و نهفتِ موج ها در اُپرایی سترگ!
این بندر فتح تاریخ است یا مسخ همه ی جهان که بوشهرِ جهانِ تو را در بر می گیرد!؟
آوای نیلِ کوکب الشّرق چگونه دلتنگی های عشّاق... بیدادِ زخمه های حالا... تو گویی خسته ای حالا!؟ نه!!! اوج تاریخ؛ بوشهر؛ اوج بخوانف برای هَمه، برای همیشه ی زمان، برای جهان، اوج؛اوج و اوج بخوان!

طعم جادویی غذاهای بوشهری



جاذبه‌های گردشگری استان بوشهر تنها محدود به دریا و ساحل ماسه‌ای و بکر آن از جمله ساحل زیبای ریشهر، عمارت‌های قدیمی و کنسول گری‌های مختلف در دل بافت تاریخی، نخلستان‌های سر به فلک کشیده، طبیعت دلنواز در دل زمستان و بازارهای تجاری نیست بلکه غذاهای محلی و سنتی رنگارنگ با طعم‌های مختلف از دیگر قابلیت‌های این استان به شمار می‌رود که گردشگران زیادی را به سمت خود فرا می‌خواند. بخشی مهم از گردشگری در استان بوشهر به غذاهای متنوع با طعم‌های جادویی اختصاص دارد به نحوی که خیلی‌از گردشگران برای تجربه مزه واقعی غذاهای دریایی و کرانه‌ای به این استان سفر می کنند.
قلیه ماهی و میگو (خورشت ماهی و میگو)، لَخ لَخ ماهی (دم پخت ماهی)، پلو میگو، ماهی شکم پر، ماهی ته انداز، گمنه یا لَلَک (بلغور ریز دانه گندم)، قیمه و شکر پلو، یتیمک بوشهری (غذایی بدون گوشت)، حلواهای خرمایی، انگشت پیچ و رنگینک‌هایی با تزئینات مختلف و گرده‌های طبخ شده با ادویه‌های گرم از غذاها، شیرینی و نان‌های جنوبی است که جاذبه‌ای دیگر برای ایرانگردان دوست‌دار تجربه و سفر است.
در کنار این جاذبه های تاریخی، فرهنگی و طبیعی در استان بوشهر، نمایشگاه‌ها و بازارچه‌های مختلف نوروزی از جمله صنایع دستی، کالاهای ته لنجی و جشنواره های نمایشی، موسیقی، مسابقه‌های ورزشی بومی و محلی در ساحل، گشت‌های دریایی و ده‌ها برنامه جذاب دیگر برای سرگرمی و رفاه گردشگران نوروزی در استان بوشهر برپا می‌شود.
این همه زیبایی بدون شک دلیل کافی رو برای سفر گسترده به بوشهر فراهم کرده اما نباید بی‌گدار به آب زد و برنامه‌ریزی مناسب برای اقامت از ضرورت‌هایی است که باید مورد توجه قرار گیرد و باید قواعد و اصول سفر ایمن و هوشمندانه را رعایت کرد. / ایرنا

اندیشه نو

حسین زیرراهی – مدرس مهارتهای توسعه فردی



آید بهار و پیرهن بیشه نو شود/ نوتر برآورد گل اگر ریشه نو شود/ زیباست روی کاکل سبزت کلاه نو/زیباتر آن که در سرت اندیشه نو شود (آتشی).
اغلب انسان‌ها تصمیم می گیرند در سال نو زندگی خود را بهتر کنند ولی معمولا این خواست به نتیجه‌ای نمی‌انجامد. ممکن است مشکل از فکر یا عمل فرد باشد. تغییر فکر نقطه شروع تغییر است. بدون تغییر فکر و اندیشه محال است هیچ تغییری در زندگی ما ایجاد شود. بعد از آن نوبت به عمل و رفتار می‌رسد. ولی متاسفانه وقتی طرز فکر ما مشکل دارد خود از آن بی‌خبریم. چون همان مغزی که قرار است ما را به شکوفایی برساند توسط این افکار سیم کشی شده است. بنابراین قبل از هر چیز لازم است سیم کشی مغزمان را بهتر کنیم.
نکته غمگین ماجرا این است که اگر ما اندیشه خود را نو نکنیم هر تغییری در دنیای بیرون اتفاق بیافتد برای ما سود چندانی نخواهد داشت. حتی ممکن است تلاش کنیم ولی به نتیجه خاصی نرسیم. چون طرز فکر و باور قطب نمای رفتار ما است. اگر توجه کنید برخی آدم‌ها هم در زمان رونق اقتصادی و هم در زمان رکود مشکلات‌شان پابرجاست و بهبودی در اوضاع‌شان به‌وجود نمی‌آید. از طرف دیگر کسانی هستند که در هر شرایط بیرونی عملکردشان خوب است. البته منظورم کاسبان تحریم و رانت نیست. بلکه کسانی که در شرایط بد هم کسب و کار خود را زنده نگه داشته و حتی رونق می‌دهند. یا اگر کارگر و کارمند هستند هم در حال رشد اند. من فهرستی از طرز فکرهای مفید و غیر مفید را آماده کرده بودم که در این مقاله برشمارم. ولی به‌جای آن دوست دارم یک طرز فکر که تاثیر بسیار زیادی بر زندگی هر انسانی دارد را شرح دهم. آن هم طرز فکر راه حل محوری است که در هر شرایطی از خود بپرسیم الان چه کاری می‌توانم انجام دهم. این جمله جادویی تقریبا برای هر وضعیتی کارساز است. دلیل آن هم این است که از مغز خود راهکار می‌خواهیم و او هم به ما می‌دهد. ولی متاسفانه ما برعکس عمل می کنیم. وقتی شرایط سخت می‌شود یا به شکلی پیش می‌رود که مورد نظر ما نیست از خود می‌پرسیم چرا این‌طوری شد؟ مغز هم دلیل آن را به ما می گوید. ولی آیا کارساز است؟ خیر. چرا تورم هست؟ چون نقدینگی رفته بالا. چرا تحریم شدیم؟ چون با دنیا مشکل داریم. این پاسخ‌ها فقط دلایل آن‌چه اتفاق افتاده است را به ما می گوید. فقط زمانی مفید است که ما بخواهیم مشکلی را در خود حل کنیم. ولی وقتی آن‌چه رخ داده عوامل بیرونی دارد و در کنترل ما نیست کارساز نیست. در عوض وقتی می گوییم الان چه کاری می‌توانم انجام دهم تمرکز را به درون خود برمی گردانیم. همیشه هم کارهایی وجود دارد که می‌توان انجام دهد. از آن طرف در شرایط خوب هم این جمله کارساز است. چون همیشه فرصت‌هایی وجود دارد که بهانه‌جوها و تحلیلگران از آن غافل می‌شوند. در پایان دوست دارم صحبتم را با جمله‌ای از ناپلئون هیل به پایان ببرم: در هر تهدید فرصتی است به اندازه یا بیشتر از آن.

نوروز؛ نماد نو شدن و الهام گرفتن از طبیعت برای زدودن کهنگی ها

رضا نکیسا



در ابتدای سخن فرصت را غنیمت شمرده و نوروز را به همگان تبریک می گویم. و در سال پیش رو برای مردم و کشور عزیزمان ایران سالی سرشار از اتفاقات نیکو آرزومندم.

در ایران وقتی صحبت از نوروز می شود، یک تمدن چند هزار ساله، یک فرهنگ کهن دیرپا، یک ادبیات غنی و تاریخی با شکوه را در اذهان بیاد می آورد.

تا آن‌جا که شکوه این واقعه را می توان در اشعار پارسی زبانانی دید که اغلب مردم با اشعار و نوشته‌های آن‌ها انس و الفتی دیرینه داشته اند.

در این نوشتار کوتاه نیز نگارنده سه نگاه متفاوت از سه شاعر به نوروز و الهام از آن را مرور می کند، لذا این بررسی حاصل بضاعت فهم نویسنده و وقت نگارش این سطور در خصوص نوروز است.

در ابتدا نگاهی می کنیم به فلسفه و اشعار حافظ در رابطه با نوروز :

نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد
عالم پیر دگرباره جوان خواهد شد

جوان شدن عالم پیر به تعبیر نگارنده حکایت نوزایی و تجدید حیات یک عنصر کهن در شمایلی دیگرگونه و جوان است. این پدیده نو است در عین سالخوردگی و جوان است در عین پیری، حالی است که ریشه در گذشته ای پرتکرار و دور دارد.

این نو شدن تلنگری است به آدمی تا دم را غنیمت شمرده و شاعر تاکید می کند.

نوبهار است در آن کوش که خوشدل باشی
که بسی گل بدمد باز و تو در گل باشی

به تعبیر حضرت حافظ نوروزهای دیگر خواهد آمد منتهی اندرز می‌دهد که ممکن است آن روز انسان دیگر شرایط حال را نداشته باشد.

حافظ در جای جای غزل‌هایش به تحسین زندگی و پویایی پرداخته و آموختن از نو شدن‌ها را یادآور شده است، برای این آموزش‌ها باید جان را قوی و آماده نگه داشت.

ز کوی یار می‌آید نسیم باد نوروزی
از این باد ار مدد خواهی چراغ دل برافروزی

نکته دیگر قابل توجه در نوروز، لذت بردن از دم و غنیمت شمردن زندگی و کوتاهی و تکرارناپذیری آن است.

تاکید بر کامجویی از دنیا در تمامی ابیات و غزلیاتی که حضرت حافظ در این خصوص بیان داشته است هویداتر از آن است که نیاز به آشکار سازی داشته باشد.

خوش آمد گل وز آن خوشتر نباشد.
که در دستت بجز ساغر نباشد

تاکید ساغر در دست داشتن کنایتی از در حال زندگی کردن و لذت بردن از نعمت های دنیوی است، در جایی دیگر از هاتف غیب نیز مدد جسته است و فلسفه زندگی را عشق دانسته است عشرت

هوا مسیح نفس گشت و باد نافه گشای
درخت سبز شد و مرغ در خروش آمد
به گوش هوش نیوش از من و به عشرت کوش
که این سخن سحر از هاتفم به گوش آمد

از حافظ که گذر کنیم، با نگاهی خیلی گذرا می بینیم حضرت مولانا نیز نگاهی نوروز داشته و این اتفاق و دگرگونگی طبیعت را الهام‌بخش و پیام‌آوری از جانب خالق هستی می داند:

بهار آمد بهار آمد سلام آورد مستان را
از آن پیغامبر خوبان پیام آورد مستان را

یا

ای نوبهار خندان از لامکان رسیدی
چیزی بیار مانی از یار ما چه دیدی
خندان و تازه رویی سرسبز و مشک بویی
همرنگ یار مایی یا رنگ از او خریدی

مولانا با تاکید بر این که آن‌چه در پیرموان ما اتفاق می‌افتد، دربرگیرنده نکته ای است برای جان‌هایی که آماده دریافت رمز و رموز کائنات هستند، بهار می‌آید تا مرغ جان شما را پرواز دهد به منشا آفرینش، او بهار را نشان خالق جهان می‌داند، برای ایمان به رستخیز، رستخیزی که تمامی مردگان دوباره زنده شوند. چرا که در بهار جمله جسم‌های بی جان دوباره زنده می‌شوند می گیرند.

آمد بهار عاشقان تا خاکدان بستان شود
آمد ندای آسمان تا مرغ جان پران شود
هم بحر پر گوهر شود هم شوره چون گوهر شود
هم سنگ لعل کان شود هم جسم جمله جان شود

مولانا نوروز را نماد عظمت پرودگار می داند و از این اتفاق راز ماندگاری خالق هستی را هویدا می سازد.

امروز روز شادی و امسال سال گل
نیکوست حال ما که نکو باد حال گل
گل را مدد رسید ز گلزار روی دوست
تا چشم ما نبیند دیگر زوال گل

همواره ادبیات ما در تناقضی آشکار بین دو نیروی فکری سیال بوده است، متفکرینی که دنیا را سراسر مادی و عشق‌ها و لذت را زمینی می‌داند و گرفتار عرفان، تصوف و صوفی گری نشدند، مانند خیام و گروهی نیز چون مولانا و عطار و دیگر بزرگان که عشق را شایسته معبود ازلی و ابدی می دانسته و عشق دنیایی را گوشه‌ای از عشق به خداوندگار هستی می دانند و تمامی پیامدها از جمله نوروز را نشانی از او می‌داند.

نمونه‌هایی از تعابیر عرفانی پدیده های طبیعی در ادبیات عرفانی غرب نیز به چشم خورد که در مائده‌های زمینی آندره ژید می توان دید (ناتانائیل، هر آفریده‌ای نشانی از خداوند است، اما هیچ پدید ه ای اورا هویدا نمی سازد. ناتانائیل، همه آفریده‌ها نشانی از آفریننده خود را دارند اما هیچ پدیده‌ای به تنهایی او را آشکارا نمی‌سازد. همین که آفریده‌ای نگاه‌مان را به خویش معطوف کند، ما را از او دور می سازد).

و در آخر این نوشتار به خیام می‌رسیم او از دیگر شاعران فارسی زبان متفاوت است، تاکید و توجه ویژه‌ای به نوروز دارد و آن را به نمادی برای شادکامی است و در لحظه زندگی کرد می سازد.

بر چهره ی گل نسیم نوروز خوش است
در صحن چمن روی دل افروز خوش است
از دی که گذشت هر چه گویی خوش نیست
خوش باش و ز دی مگو که امروز خوش است

خیام عمر آدمی را به عمر سبزه قیاس کرده که کوتاه و گذراست، تاکید او به زندگی این جهانی است، درک زمان و غنیمت شمردن آن در تمامی رباعیات او مشهود است.

ساقی ، گل و سبزه بس طربناک شده است
دریاب که هفته دگر خاک شده است
می نوش و گلی بچین که تا درنگری
گل خاک شده است سبزه خاشاک شده است

معشوق، گل و می، نوروز و لذت و کامجویی خیام کاملا این جهانی و مادی است.

او حتی در جایی به آیات و احادیث مدد جسته تا بگوید آن‌چه من توصیه کرده ام دلالت بر امر الهی دارد چرا که

گویند هر آن کسان که با پرهیزند
زآن‌سان که بمیرند چنان برخیزند
ما با می و معشوقه از آنیم مدام
باشد که به حشرمان چنان انگیزند

خیام رابطه خوبی با گذشته ندارد، تاکید او به رهایی از گذشته است و در حال زیستن را در پیوندی از نوروز به مخاطب خود یادآور می شود...

بر چهره گل نسیم نوروز خوش است
در صحن چمن روی دلفروز خوش است
از دی که گذشت هر چه گویی خوش نیست
خوش باش و ز دی مگو که امروز خوش است

خیام در جایی دیگر کار درست را در غنیمت شمردن از لحظه و حال و درک آدمی از حیات می داند، توجه ویژه این دانشمند و شاعر نام آشنای کشورمان به فلسفه ای از زندگی است که با غم خوردن، ناراحتی، افسردگی سر ستیز دارد و شادی و خوشدلی را عامل پویایی و سر زندگی اجتماع و جامعه انسانی می داند...

چون ابر به نوروز رخ لاله بشست
برخیز و به جام باده کن عزم درست
کاین سبزه که امروز تماشاگه ماست
فردا همه از خاک تو برخواهد رست

خیام بهشت موعود را در همین دنیا جستجو می کرد او شاعری است که عریان‌تر از بقیه بزرگان شعر و ادب فارسی زندگی این جهانی را سراسر ستوده و به ستایش از آن برخاسته است...

در فصل بهار اگر بتی حور سرشت
یک ساغر می‌دهد مرا بر لب کشت
هرچند به نزد عامه این باشد زشت
سگ به ز من ار برم دگر نام بهشت

این شاعر و فیلسوف بزرگ در اغلب رباعیاتش از نوروز و بهار وام می گیرید تا کوتاهی و فانی بودن عمر آدمی را یادآورد شود و آن را توجیه‌کننده شادی‌های انسان سازد، خیام فلسفه حیات را در شاد زیستن می نگرد و از می و معشوقه نمادی می سازد برای آن

ساقی گل و سبزه بس طربناک شده‌ست
دریاب که هفته دگر خاک شده‌ست
می نوش و گلی بچین که تا درنگری
گل خاک شده ست و سبزه خاشاک شده ست.

بوشهر نیاز به توسعه عملی دارد و نه روی کاغذ

هلنا سعادتمند



بوشهر، شهر پنج هزار ساله با تاریخی غنی، شهری که با وجود پتانسیل‌های بالقوه فراوان، همواره از کمبود زیرساخت‌ها رنج برده است. توسعه بوشهر، موضوعی است که بارها و بارها بر روی کاغذ و پشت میکروفون‌ها مورد بحث قرار گرفته، اما آن‌چه اهمیت دارد، بررسی اقدامات عملی و میزان حل مشکلات موجود است.

بوشهر در عرصه‌های مختلف حرفی برای گفتن دارد؛ از موسیقی و ورزش گرفته تا سیاست و فرهنگ. اما مهم‌تر از همه، اقتصاد بوشهر است که می‌تواند با شکوفایی، بسیاری از کاستی‌ها را جبران کند. متاسفانه، گاهاً به نظر می‌رسد که فریادها در این زمینه به جایی نمی‌رسند.

برای توسعه بوشهر، علاوه بر برنامه‌ریزی‌های کلان، توجه به موارد زیر نیز ضروری است:

توسعه زیرساخت‌ها: بهبود وضعیت راه‌ها، بنادر، فرودگاه و سایر زیرساخت‌های حیاتی، نقش مهمی در تسهیل تجارت و جذب سرمایه‌گذاری خواهد داشت.

حمایت از سرمایه‌گذاری: ایجاد بسترهای مناسب و ارائه تسهیلات به سرمایه‌گذاران، می‌تواند به رونق اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید منجر شود.

توسعه گردشگری: با توجه به جاذبه‌های تاریخی و طبیعی بوشهر، توسعه صنعت گردشگری می‌تواند به منبع درآمدزایی مهمی برای شهر تبدیل شود.

توسعه صنایع تبدیلی: ایجاد صنایع تبدیلی در کنار صنایع نفت و گاز، می‌تواند ارزش افزوده بیشتری ایجاد کرده و به تنوع اقتصادی شهر کمک کند.

توانمندسازی نیروی انسانی: آموزش و تربیت نیروی انسانی متخصص و ماهر، می‌تواند به افزایش بهره‌وری و رقابت‌پذیری شهر کمک کند.

امید است با تلاش و همدلی مسئولان و مردم، بوشهر بتواند به جایگاه واقعی خود دست یابد و به شهری آباد و توسعه‌یافته تبدیل شود.



حال بهار خرابه

حسین شاکری



وُ دندونش گِلیته/کنیز احمد
وُ صندوقش پِلیته/کنیز احمد
رونه‌ی چاه بهَاره/کنیز احمد
میخواه بیگِش بیاره/کنیز احمد
کنیزاحمَد کنیزاحمد/کنیزاحمد...

عبدو می‌خوند و میشت احمد نی‌همبون می‌زد و سوگلو می‌رقصید و طهمورثو شاهان شَپ می زد. کار اسپند ماهی هرسال کولی‌های بوشهر بود. کولیانی از طایفه صفاریان. همان بازماندگان یعقوب لیث صفاری شاهنشه پیشین ایران. کولیانی حُرّه و آزاده که گرچه از اسب افتاده بودند، لیک از اصل نه.



قبل از حلول نوروز همه ساله در کوچه پس‌کوچه‌های رویایی بندر بوشهر پیدای‌شان می‌شد و قاصدک بهار می‌شدند. درست مثل پیلوسوک ها که دَم درِ عید چو پیک عمو نوروز سَر و کله شون پیدا می‌شد و زیر طارمه‌های خانه‌های شهر شیرجه می‌زدند و بازیگوشی می‌کردن و مابین چَندل ها و زیر بیلیوها برای خودشون سِلّت می‌ساختند.

توی میدون آل شریف محله کوتی بندر بوشهر می‌خوندن و بروبچه‌های محل هم باهاشون دَم گرفته بودن. حاج کرم از راه رسید. همه منتظر بودن که او قشقرق راه بندازه و کولی‌ها رو هِی کنه. اما در میان بهت همگان او ایستاد و زل زد به لولیان سرمست مطرب! چنان محو گشته بود که غافل شده بود که نزدیک یکصد جفت چشم او را رصد می کند!

حاج کرم بی‌اختیار قدم به قدم جلوتر می‌آمد و بچه‌ها در حالی که به او زل زده بودن قدم به عقب می گذاشتن و به او کوچه می دادن.

یک‌باره سروکله ی کِل اِبول توی میدون پیدا شد:

"ای چه بُنا بساط فسق و فجوریه که راه اُنداختین"؟!

حاج کرم که غافلگیر شده بود خطاب به کل ابول گفت:

"مو هم همی میگُم. الان کاری سرشون در میارُم که کولی بازی یادشون بره"!

و حمله کرد و تیمپو از دست طهمورثو در آورد و به زمین زد و آن را شکاند.

به آنی ناگه بزم، رزم شد و عده‌ای به تحریک وادار به سنگبارش شدن. سنگ‌هایی که ردی از خون بر نی‌همبون جاری ساختن! ابروی شکافته میشت احمد حرف می‌زد و لب های سوگلو ماتیک نزده سرخ شده بود و چشمان عبدو سنگ نخورده زغصه خون شده بود!

و فرار کردن...!

و نفس زنان و هن هن کنان خود را به زیر طاق بحرینی، مشرف به دریا رساندند.

نسیم خنکی می وزید و صدای جادویی موج های دریا در کوچه می‌پیچید. آن‌سوتر چند بچه در جستجوی اَتَل و چَمبَر خاک‌های بُق کرده نمور کناره‌های دیوار را می‌کاویدن تا طعمه‌ای برای زدن به شاخک تله‌هایی برای شکار پیدُم بیابن.

ناخدا کل ویس از خونه که دراومد با دیدن حال نزار کولی‌ها، حالشِ سه حاله شد و گفت:

" آخ آخ آخ! کُمو ظالمی ای بلا سرتون اُورده"؟!

و برگشت توی خونه و پس از لختی با یه تُنگ شربت ویمتو و میکروکروم و پنبه برگشت و شروع به تیمار آن‌ها کرد.

همسایه‌ها به دور کولی‌ها جمع شدن و ناراحت از وقایع اتفاقیه هر کدام به وسع خود مقدار برنجی، قند و شکری، حبوباتی یا وجوهی به کدخدا میشت احمد دادند.

کمک‌های عیدانه‌ای که همه ساله و قبل از رسیدن نوروز مردم بوشهر به این پیام‌آوران بهار می‌کردند. در واقع کولی‌ها در هر خانه می‌زدن و می‌خواندن و پایکوبی می‌کردند و یک مژدگانی بابت حق القدم بهار می گرفتند.

ناخدا کل ویس با دلجویی از آنان گفت: "هر پنج انگشت مثه هم نیسن. یعنی تو محل و کلا بندر از هر ده نفر شاید دو نفر خِپَک توش در بیاد و محض همی شما دل نگیرین و دلسرد نشین و کار خوتون بکنین. حالا هم می‌خوامتونا، پاشین یه یزله ی شاهان و عدالی راه بندازین...یاالله یا علی بیگین! "

کدخدا میشت احمد درنگی کرد و گفت: "ناخدا! فرمایشت شما رو جفت تخم چیشام. هر چند که سالی که نکوست از بهارش پیداست"!

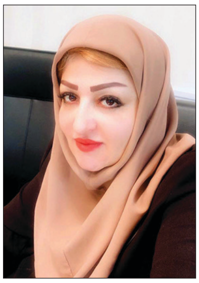
و نی‌همبان را باد و کوک کرد و نواخت و عبدو خواند:

" بهار بهار بهاره/ حال بهار خرابه
بهار اومد تو کیچه/ظالم شده دسپاچه
بهار بهار بهاره..."

و سوگلو می‌رقصید و اشک می‌ریخت!

نوروز و معنای زندگی

دکتره زهره عالی‌نسب



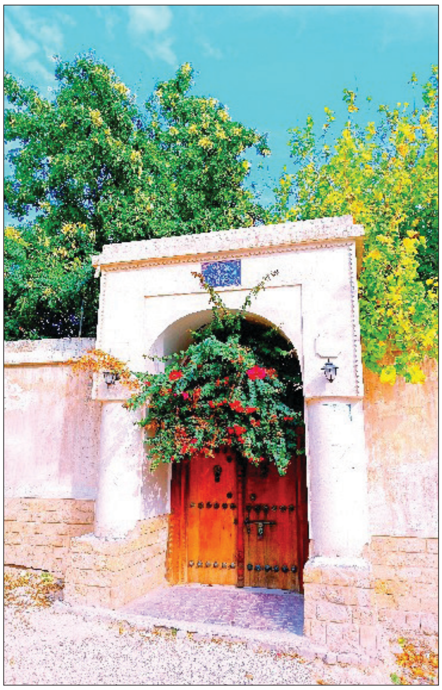
بشر از دیرباز به دنبال یافتن معنای زندگی بوده است تا بتواند با یافتن آن، آلام خود را التیام ببخشد و خوشبختی و سعادت خود را ممکن سازد. بنابراین، محور کلان گفتمان‌ها در فلسفه قدیم و جدید روایتی را جستجو می‌کند که معنای زندگی را در رتوریکی جذاب ارائه دهد زیرا بشر برای بقا به امید نیاز داشت و امید متعلق به بشری است که می‌داند که در جهانی بدون قطعیت زندگی می کند که اندوه و رنج با آن عجین شده است.

این بشر، شروع به روایت و قصه می‌کند تا از تجربه زیسته هم سهیم باشد و درد و رنج خود را التیام ببخشد و نور امید را برای زندگی بهتر ممکن سازد. ویل دورانت برای یافتن تعریفی ازمعنای زندگی دست به پژوهشی زد، که صد نفر از اندیشمندان از جمله راسل و گاندی و جواهر لعل نهرو و مورخان و فلاسفه و منجمان از چهره های شاخص آن بودند که هرکدامشان از زندگی و معنای آن تعریفی داشتند. ستاره شناسان گفته بودند زندگی فقط لحظه تأخیر در خط سیر یک ستاره است. جغرافی‌دانان گفته بودند تمدن چیزی نیست مگر دوره کوتاه و ناپایدار از میان عصر یخبندان و زمان حال، زیست‌شناسی گفته بود، زندگی جنگ و جدال و تنازع بقا در بین جانداران ازجمله انسان است. مورخان آن را پیشرفت‌پنداری که شکوه و افتخارش به نابودی ختم می‌شود؛ نامیدند. فیلسوفان اگزیستانسیال برمسایل وجودی انسان ازجمله چگونگی زندگی معنادار در مواجهه با جهان بی معنا تمرکز داشتند وکامو اعتقاد داشت که زندگی در عین بی‌معنایی باید آن را شاد تصور نماییم و تلاش کنیم معنایی را در آن بیابیم.

ساکنین فلات ایران از هزاران سال پیش به دنبال یافتن معنای زندگی بودند وآن را در شادی و با هم بودن یافتند به طوری که هرماه و به هر بهانه‌ای جشن برگزار می‌کردند درشادی همدیگر شریک می شدند و باهم بودگی را پاس می‌داشتند. مراسم آن‌ها برگرفته از صلح با خود، صلح با دیگری و صلح با طبیعت و دیگر موجودات بود. بی‌شک خردی که پشتوانه‌ی چنین رسومی بوده و هنوز پابرجاست سهمی بسزا در تقویت روابط بیناذهنی و بینازبانی آدمیانی داشت که صلح و مدارا و دگرخواهی و دگر پذیری را پیشه خود می‌کرد و درغم و شادی هم شریک می‌ساخت، به همین جهت ایرانشهر محل امن بزرگترین خط تجاری قدیم که چین را به اروپا وصل می‌کرد، بود.

مکتب ایرانی مأمن مدارا و صلح طلبی و شادی بود و اگرجنگی صورت می‌گرفت بیشتر مواقع ناخواسته و تحمیلی بود. تاریخ ما چه اسطوره‌ای و چه باستانی با پشتوانه خرد و خردورزی و با احترام به چهار عنصر طبیعت، که شامل آب و خاک و باد وآتش بود، هرکدام روایتی با خود داشت و همراه با آن روایت مراسم و جشنی را سبب می‌شد تا شکوه باهم بودگی‌های پایدار و زیبا را هرچه بیشتر به نمایش گذارد. چه بسا این رسوم و این روایت‌ها ایران، این کهن دیار اسطوره ای، را در برهه‌هایی اززمان که دچار حمله‌ی بیگانگان از جمله تورانیان و تازیان شد؛ ققنوس‌وار دوباره بر خاکستر خود زنده کرد و مانع از گسستن‌ها و ازخودبیگانگی مردمان این مرزو بوم شد و همه‌ی ایرانیان با وصل شدن به همین آداب نیک و با بهره گیری از گفتارنیک وکردارنیک و پندارنیک قوم غالب را هم مغلوب فرهنگ خود ساختند و نحسی تجاوز و جنگ را زدوده و شکوه خود را دوباره از سرگرفتند.

ازجشن‌های مهرگان وآبانگان و سده گرفته تا جشن یلدا، طولانی‌ترین شب سال، و تولد خورشید و از همه



مهمتر نوروز و سال نو که یادگار جمشید پیشدادی است و قدمتی چهار هزارساله دارد.

در هیچ ملتی چنین رسوم دیرینه و پایداری با این قدمت یافت نمی‌شود، انسان ایرانی با زنده نگهداشتن این رسوم زیبا و با کمک ازخرد خود، بهانه و فرصتی برای پاسداشت فرهنگ ملی خود و سپاس ازخدای خود و احترام به طبیعتی که از آن ارتزاق می‌کرد، یافت. از این منظر ایرانی، هم فرصتی را برای اتحاد و باهم بودگی فراهم می‌کرد و هم درسایه آن، مراودات اجتماعی و صمیمیت و نوع دوستی و دگرخواهی را میسر می‌ساخت. نوروز از نظر گاه‌شماری نیز بسیار حایز اهمیت است و هوش ذکاوت ایرانی را در این زمینه می‌رساند که نسبت به تساوی ساعات روز و شب در اول بهار و به لحظه تحویل سال نو حساس بوده و علاوه بر خوش بویی و خوش پوشی به خوش گویی نیز اهتمامی تام داشته است. او از یک طرف سعی در نو شدن تفکر، ازبین بردن کینه وکدورت داشته و از طرف دیگر بر ساخت روابط سست شده بین فردی نیز توجه داشته است. چه زیبا منوچهر آتشی دربیتی به این موضوع اشاره می کند:

«زیباست روی کاکل سبزت کلاه نو/ زیباتر آن که در سرت اندیشه نو شود»

فرهنگ ایرانی با دید و بازدید از بستگان و نزدیکان در تقویت مودت و صمیمیت، تلاش می کرده است. بعد از تحویل سال و در ششم فروردین ایرانیان قدیم، تولد زرتشت را جشن می‌گرفتند که جشن ملی با جشن مذهبی توأمان می‌شد. از این روی همین باورها و رسوم ملی سبب شده که به هرکشوری در فلات ایران سفر می‌کنی از تاجیکستان گرفته تا ترکمنستان و ازبکستان، گویی خویشان خود را دیده ای.

با افتخار از این که زبان و آداب و رسوم و فلسفه و تفکر ایرانشهری، باعث نزدیکی این ملتها شده است، لذت میبری.

به قطع و یقین، جهان ما جهان روایت‌هاست و سهم بسیاری در حافظه تاریخی آدمیان داشته‌است. همین امر خود باعث قوام و استمرار ملت و مرز و بوم می شود، زیرا ملت بدون حافظه تاریخی و روایت، آینده ی موهومی خواهد داشت. بنابراین وظیفه ی ماست که این رسوم و فرهنگ کهن را پاس بداریم و هرچه بیشتر و جذابتر آن را برگزار و به نسل جدید معرفی نماییم تا ایران و ایرانی همیشه منسجم و پایدار بماند. کوروش و فردوسی و سیمرغ اسطوره ای و رودکی ها که سهم بسیاری در جاودانگی فرهنگمان داشته اند هرچه بیشتر و بیشتر

باید و باید، در ادبیات و تاریخ ما به نسل جدید معرفی شوند. رمز ماندگاری ایران و فرهنگ ایرانی همین رسوم زیبای ایرانشهری با چاشنی ادبیات غنی پارسی است. به قول فردوسی بزرگ:

«روان تو را دادگر یار باد/ سر بدسگالان نگونسار باد
به یزدان و نام تو ای شهریار/ به نوروز و مهر و به خرم بهار»

ای هم‌وطن:

«رسم نوروز به جای آور و از یزدان خواه/ کآورد حالت ما باز به حالی احسن»

نوروز، تنها یک جشن کهن نیست؛ بلکه آغازی دوباره است، پیوندی میان طبیعت و انسان، زمانی که زمان خود را تازه می‌کند و جهان لباسی نو بر تن می‌پوشد. در این باززایش طبیعت، انسان نیز فراخوانده می‌شود که از زمستانِ درونِ خویش عبور کند، غبار کهنگی را بتکاند و روحش را بهاری سازد.

نوروز یادآور آن است که تغییر، ذات هستی است؛ هیچ زمستانی پایدار نیست و هیچ تاریکی جاودانه نمی‌ماند. هنگامی که شکوفه‌ها درختان را می‌آرایند، گویی جهان به ما می‌گوید: در دل هر پایان، آغازی نهفته است. فلسفه نوروز، فلسفه بازگشت به تعادل است، بازگشت به هماهنگی با طبیعت، با دیگران و با خویشتن.

در این لحظه‌های آغازین، انسان فرصتی می‌یابد برای بازنگری در خویش، برای کاشتن نیت‌های نیک و پالایش دل از کینه و رنج. نوروز نه فقط تحول سال، بلکه تحول دل است؛ جشنِ روشن شدن چراغ آگاهی و بیداری روح.

در نهایت، نوروز یک دعوت است، دعوت به زیستن آگاهانه، به دیدن زیبایی‌های جهان، به بخشیدن، شکفتن و انسان‌تر شدن.

سفر بدون نقشه در استان بوشهر !

محمود حمزه ئیان



در عید نوروز غیر از دید و بازدیدهای مرسوم، بسیاری به مسافرت‌های درون و برون استانی رفته و سعی می‌کنند حداکثر استفاده را از این تعطیلات داشته باشند.
بسیاری علاقه دارند در سفرها به مناطق معروف و شناخته شده سفر کنند اما می‌خواهم پیشنهاد کنم، امسال سعی کنید قدم در راه‌های ناشناخته استان بوشهر بگذارید. نوعی ماجراجویی بدون نقشه !
در استان زیبای بوشهر مناطق دیدنی بسیار زیادی وجود دارند که کمتر شناخته شده و

این ساحل خلوت و وسیع، با آب‌های زلال و سکوت دلنشین، فضایی فوق‌العاده برای استراحت و عکاسی فراهم می‌کند. کمی آن طرف‌تر، ساحل بندر امام حسن هم بسیار بکر و زیباست.
اگر به دنبال هوای پاک و طبیعتی سرسبز هستید، مسیر کلمه به طلحه را تجربه کنید. در این مسیر، نخلستان‌های بکر و باغ‌های زیبا شما را همراهی خواهند کرد. همچنین می‌توانید از آبشار فاریاب دیدن کنید که اگر بارش‌ها خوب باشد، منظره‌ای بدیع را بوجود می آورد.
اگر به فرهنگ و تاریخ علاقه دارید، مسیر خورموج به چارک و روستای حیدری را در برنامه خود بگنجانید. در این منطقه، آتشکده‌ای



یا کمی به سختی قابل دسترس هستند. اما این فرصت را به شما میدهند که تجربه ای خاص و بسیار هیجان انگیز داشته باشید. در ادامه برخی از این مسیرها و مناطق کمتر شناخته شده را معرفی میکنم که احتمالا در تعطیلات نوروز هم بسیار خلوت باشد.
اگر به دنبال آرامشی در کنار رودخانه و کوهستان هستید، از شهر شنبه عبور کنید و به پل باغان بروید. دراین مسیر از مزارع زیبای کلزا با گل هایی با رنگ های چشم نواز لذت ببرید و در پایان در زیر پل باغان در کنار رود زیبای مند، به صدای جریان آب گوش دهید و از چشم‌انداز کوهستانی آن لذت ببرید.
ساحل باشی و دل آرام مقصدی شناخته‌شده ای است، اما مسیر بازگشت خود را از جاده باشی به خورموج تغییر دهید. این مسیربا عبور از کوه‌های زیبای مند و کلوت های کم نظیرش، مناظر خیره کننده ای را پیش چشم شما میآورند و اگر کمی خوش شانس باشید و هوا صاف باشد، میتوانید از بالای کوه های مند، عظمت آبی بیکران خلیج فارس را به تماشا بنشینید.
در مسیر گناوه به دیلم، به جای بازارهای شلوغ، توقفی در ساحل چاهک داشته باشید.

باستانی که گفته می‌شود قدمت آن به دوران اشکانیان می‌رسد، در دل کوه‌ها پنهان شده است. این اثر به نام کلات گورا (قلعه گبرها یا زرتشتی‌ها) شناخته می‌شود. دیدن این اثر تاریخی، حس ماجراجویی و کنجکاوی شما را برمی‌انگیزد.
مسیر سیراف به پرک نیز سفری جذاب خواهد بود. در این منطقه، ساحلی نیلگون و زیبا در انتظار شماست. از آن‌جا، می‌توانید کشتی‌های عظیم و نفت‌کش‌هایی که در نزدیکی ساحل لنگر انداخته اند را تماشا کنید و از این منظره بی‌نظیر لذت ببرید.
در تمام این مسیرها هم می توانید به رستوران های محلی رفته وبا طعم غذاهای مختلف و متفاوت آشنا شوید. مطمئن باشید پشیمان نخواهید شد.
اگر هم توانستید حتما از فروشگاه‌های محلی صنایع دستی، یادگاری‌های ماندگار بخرید.
این‌ها تعداد بسیار کمی از مسیرهای بکر و مناطق دیدنی استان ما بود و حتما صدها و صدها مسیر و جاده بکر دیگر هم وجود دارد که زیبایی هر کدام می تواند شما را شگفت زده کند پس نترسید و بدون نقشه سفر کنید.
حتما به یک بار امتحان کردن آن می‌ارزد.

اعتراض به پیامک کشف حجاب
قانونم آرزوست

مسلم روئین - وکیل دادگستری



در مورخ هفدهم اسفند ۱۴۰۳ پیامک کشف حجاب از طرف پلیس راهور بوشهر برای دخترم ارسال می‌شود که پس از تماس با پلیس راهور و اعتراض به این‌که خودرو در آن ساعت هرگز در خیابان ساحلی بوشهر و آدرسی که در پیامک پلیس راهور آمده تردد نداشته و بر اساس چه مدارک و مستنداتی چنین پیامک تهدیدآمیزی ارسال نموده‌اید؟ اعلام نمودند که موضوع مربوط به پلیس امنیت اخلاقی می‌شود و می‌بایست به آن‌جا مراجعه کنیم. روز بعد به پلیس اخلاقی بوشهر رفتم. پس از اعتراض و اعلام این‌که خودرو مذکور هرگز درآن تاریخ در خیابان ساحلی حضور نداشته و خواستار بررسی دوربین‌های خیابانی شدم. مأمور مربوطه اعلام نمود گزارش مردمی سبب ارسال این پیامک می باشد نه دوربین؟!
نمی‌دانم حاکمیت قانون کی در ایران محقق خواهد شد اما در هیچ جای قوانین فعلی ندیده ام که جریمه راهنمایی و رانندگی بر اساس گزارش اشخاص عادی تعیین می شود، در این صورت سنگ روی سنگ بند نخواهد شد زیرا بنده نوعی به‌علت بیماری یا عداوت و عقده، شماره پلاک صاحب خودرو را به پلیس امنیت اخلاقی و راهور ارسال نموده و با جریمه شدن آن شخص، هم انتقام خود را گرفته‌ام و هم ضربه مالی و روحی و روانی به مالک خودرو وارد کرده ام.
جریمه کردن و تهدید به مجازات شهروندان به استناد گزارش افراد عادی، ضد اصول ۳۶ و ۳۷ قانون اساسی است: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد» و «اصل، برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر این‌که جرم او در دادگاه صالح گزارش گردد».
آیا پیامک های مختلف پلیس راهور و امنیت اخلاقی که با استناد به گزارش سایر اشخاص ارسال می‌شود موثق است؟! قانون اساسی و شرع اسلام، اصل را بر برائت شهروندان گذاشته‌اند مگر این‌که جرم انتسابی در دادگاه صالح با لحاظ مدارک و مستندات معتبر اثبات شود و فرایند دادرسی عادلانه میز طی شود اما با ارسال فقط یک پیامک و بر اساس گزارش برخی افراد مغرض، شهروندان بدون داشتن حق دفاع مشمول جریمه‌های رانندگی می‌گردند. لذا به‌عنوان یک شهروند و با استناد به قانون حمایت از حقوق شهروندان و قانون اساسی و سایر مقررات موجود، توقف این اعمال غیرقانونی توسط استاندار بوشهر به‌عنوان نماینده عالی حاکمیت در استان و ریاست دادگستری کل استان بوشهر به‌عنوان ناظر و مجری عدالت مورد تقاضا است.
قابل ذکر است حتی مقام قضایی نیز نمی‌تواند خودرویی که در آن کشف حجاب صورت گرفته را توقیف نماید چون وسیله ارتکاب جرم محسوب نمی‌شود. با فرض این‌که نداشتن روسری جرم قلمداد نمایند بلکه محل وقوع جرم می‌باشد و مکان توقیف نمی‌شود. خودرو نیز مانند دانشگاه و مدرسه چنان‌چه رعایت حجاب نشود، قابل توقیف نیست.





هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: نسیم فقیه
مدیر مسئول و سردبیر:
دکتر یونس قیصی‌زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب - تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساپ: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

تمام نام و نُت ِ بوشهر...

حماسه حق پرست



ب؛ برکشیده و برآمده تا خواستن و برخاستن از پهلوُی آبی ِ تاریخ، که جهان را از این پس نشست و پس کرانه ی دوران ِ دور ِ زمین شناسی متحیر و متعجب ساخته است تا زیست و بومی بی تردید متفاوت و جداگانه از سایر سویه ها و سامان و اقلیم های فلات ایران، زاده شود و کهن بندری با بَر و بویی منحصربفرد در اجزا زیست و زبان و زندگی مردمانش در اطلس فرهنگی و مردم شناسانه خود، فصلی مفصل را به خود اختصاص دهد.

و؛ اویی است کشان کشان، تا مگر در ظلام و ظلماتی گاه و بیگاه، روزگار وصل ِ آباء اجدادی و نیاکانی خویش بازجوید و رسانیدن جسم و جانش را به امروزیان میسر سازد و دیروز ِ پار و پیرار را پیوندی باشد در راستای تداوم حیات و ذکر ممات، که بی گذشته و گذشت، بی شک امروز و پسین فردا، پا در هوا و مبهم و معلق و مواج است.



ش؛ شمایل و شهودِ سال ها رُخ در رُخ آب و آفتاب بودن و ماندن مردمانی است که تنگنای جان و جهان خود را پای کوبان می شوند و دست افشان، یا این که به شهادت ِ شروه ای بر سر شوق می آمدند و غمگنانه های دلشان را با دو سه تحریر ِ آوازی در عشاق ، واگویه می‌نمودند، که همش یاد عزیزون ...یاد! یا ای دوست...! کو دوست؟!

ه؛ همیشگی و هموارگی ِ بلابحث ِ مردمانی متکثر و نماد و نمود آینه و آیین ِ حرمت و حریم، برای زیستن بر مدار ِ مدارا...

خواه خوش و خواه ناخوش، خواه مهاجری از آن سوی آب های دور یا مهمانی آمده از دو سه ولایت آن سوتر ...همیشه باید پاس داشته شود حرمت و حضور ِ غیر و اغیار!

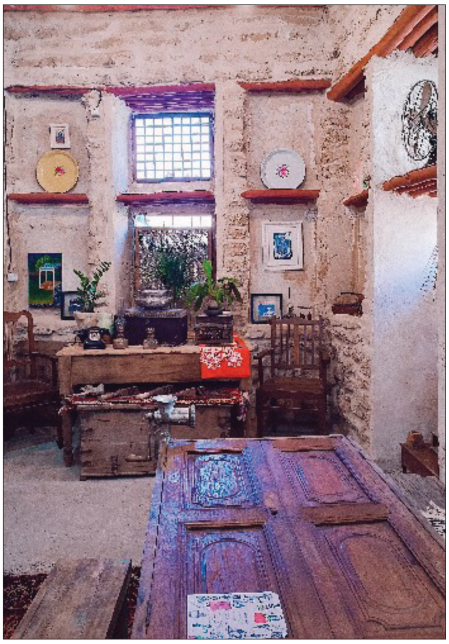
ر؛ رسم ِ صبوری ِ و بانگ رود رود خوانی های این جای ِ جهان کاری می کند کارستان با دل و جان آدمی چنان که تو گویی تا ژرفای وجودی ات را زخمی کاری و بغضی جانکاه فراگرفته است و برای بوشهر، زار هم اگر گرفته شود در خود بیشتر می پیچد انسان تا جان دهد از این همه غُبن و غلیان روح! القصه همه ی این نام و نُت های سیال و سرگردان در این سرای ِ سرخوشان ِ مست ِ پَری زده، که مثل فایز، فیض می برند از خیل ِ خیال، بوشهر را رقم زده اند... بوشهر ِ گیرا و یکسره نوشانوش گویان!

نوروز بوشهر؛ جشنواره رنگ‌ها

حسین شادکامی



ایام رسیدن عید، زیست بوم طبیعت در اقلیم بوشهر تغییرات درونیش زودتر از جاهای دیگر شروع می کند. آسمان شهر با رنگین کمان ها (قوس قزح) طیف نوری پدیدار می‌شود. سبزه‌ها و بوته زارها و درختان با انواع گل های رنگ وارنگ آراسته می شدند. استقبال از نوروز با نشانه های که از روی درو دیوار پس کیچه های محلات شهر با گل‌های سرخ کاغذی و سفیدی غنچه های گل یاس و شکوفه‌های درختان نارنج نمایان می‌گردد و بوی معطر آن فضای خانه ها را پر می کرد . همون سال دیم (مادر) پرده های پنجره ها و طاقچه های اطاق و درب‌های پنج و شش دری مجلسیمون با پارچه‌های گل منگلی درست کرده بود و در نشیمن‌گاه‌ها از بالشت‌هایی که روکش‌شان به رنگ‌های صورتی، سبز، آبی، بنفش و زرد با تمثیل طاووس و گل رز که بوام (پدر) از کویت اُورده بید به روی پتوهای چهار خانه رنگی تا شده تکیه به دیوار زده بودند که نمایش ویژه ای به اطاق‌ها می داد. امسال توانسته بودیم یک قالی ۱۲ متری دست بافت با نقش نگار برگ ها از انواع رنگ‌ها در وسط مجلسی فرش کنیم که حسابی خودش را نشون می‌داد. لباس های عیدمون از انواع رنگ های جوروا‌جور بود که در زنان و دختران (نفنوف،کلوش)



با گل‌های بهاری پوشش می داد. حتی نمای درب و پنجره‌های خانه ها از رنگ های شاد و روشن سبز بهاری و آبی آسمونی رنگ آمیزی می شد. انگار که در کالبد مردم همراه با طبیعت روح نقاشی دمیده می‌شد. سفره‌های رنگی عیدی از نقل‌های رنگ رنگی تا چکالت با طعم‌های لیمویی، پرتقالی، موزی، آناناسی و توت فرنگی که از بحرین می‌آوردند در ظروف های رنگی و نقش برجسته های چینی خود را درسفره آرایی سفره هفت سین تزئین می کردند. هر کس بوم زندگی خود را با جلوه های ویژه ای از رنگ‌های گل مَنگلی و رنگ‌وارنگ بکار می برد تا خود را به دیگران شادتر نشان دهد و نمایش هر بهار یک آزمون برای گزینش انگیزه ای دوباره به زندگی و سرآغازی نوین در وجود مردمان این دیار تجلی می یافت و شادی را به جمع خودو سایر به ارمغان می آوردند و شاد بودن را بین خود با علایم رنگ ها نشان می دادند و آن را بین خود تقسیم می کردند.

به همین جهت همیشه مردم بوشهر را شادترین و مهمان نوازیشان زیباترین در بین عام و خاص شناخته شده است و این از نشانه فرهنگ غنی مردم بوشهر به‌واسطه پل ارتباطی که با سایر ملل داشت سرچشمه می گرفت که در عید باستانی نوروز نمود عینی به خود می گرفت.